



پدر سردار،
روستایی بودو
کشاورز. علاقه
واردات زیادی
به پدرش و
تلاش‌های او
داشت. با افتخار
می‌گفت پدرم یک
دانه گندم حرام به
خانه مانیاورد.

و آقای رئوفی شدند فرماندهان تیپ. یک توسعه تیپ داشتیم. یکی از آنها هم تیپ ۴۱ ثارا... بود. پس در فتح المبین برای اولین بار حاج قاسم فرمانده تیپ شد که زیر نظر قرارگاه قدس که فرمانده اش آقای عزیز جعفری بود عملیات فتح المبین را انجام داد. بعد در بیت المقدس باز زیرمجموعه قرارگاه قدس که آن موقع من فرمانده اش بودم فرمانده تیپ ثارا... بود. در کنار تیپ‌هایی مثل امام رضا- که آنجا تشکیل شد- تیپ نور آقای علی هاشمی، تیپ بیت المقدس اهواز و تیپ عاشورای آذربایجان. بیت المقدس دومین ماموریت حاج قاسم به عنوان فرمانده تیپ بود.

وقتی در بیت المقدس، لشکر ۵ و ۶ زرهی عراق از جلوی ما عقب‌نشینی کردند، طبیعتاً ما آنها را تا مرز تعقیب کردیم. اگر روی نقشه مرز ایران و عراق را نگاه کنید، یک جایی دارد که حالت قائم‌الزاویه است. یعنی از منطقه هور که تمام می‌شود می‌روی طلایه، کوشک، وقتی سرازیر می‌شوی به سمت شلمچه، مرز حالت قائم‌الزاویه است. در این جا دشمن یک مشکل بزرگی داشت، آن هم این که اگر اجازه می‌داد ما به اینجا می‌چسبیدیم از دو طرف آسیب‌پذیر می‌شد. بنابراین دشمن جلوی این قائم‌الزاویه یک خاکریز هلالی زد که ما به این مرز نچسبیم. از بد حادثه هم ما این خاکریز را داده بودیم به حاج قاسم و تیپ ۴۱ ثارا... اینها به این خاکریز چسبیدند. دشمن به شدت حمله می‌کرد. یعنی نمی‌خواست بگذارد به مرز بچسبیم. فشار زیادی به حاج قاسم و تیپش آمد؛ تا حدی که در بیسیم داد زد که اگر کسی را به کمکم نفرستی، چنین و چنان می‌شود. من ناچار شدم مسؤول عملیات مان، حاج احمد سیافزاده را بفرستم که هم به اوروحیه بدهد و هم کمکش کند. این ماجرا گذشت تا حدود سه سال پیش، یک جلسه‌ای در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی داشتیم. مباحث مربوط به [نیروی] قدس مطرح می‌شد و

○ حاج قاسم برهه‌ای در دفاع مقدس دارد که این برهه زیرساخت فرماندهی‌اش در مقاومت می‌شود. شما آن موقع فرمانده قرارگاه بودید، قاسم سلیمانی پاسدار آموزش دیده‌ای که آمده گلف و می‌خواهد به منطقه برود. او را بالا سربیک گروه گذاشتند چون مربی آموزش بود، ولی چه شد که فرمانده تیپ شد؟

حاج قاسم تکی جبهه نیامد. یک گروه از کرمان آمدند که مسؤول‌شان هم برادری به نام مودن بود. اینها مجموعاً یک گردان می‌شدند. اینها را برای اولین بار به جبهه «طراح» اعزام کردند. جبهه طراح منطقه حمیدیه است. فرمانده جبهه هم علی هاشمی بود. یعنی برای اولین بار این گروه- که حاج قاسم هم بین‌شان بود- با فرماندهی مودن، رفتند زیر نظر علی هاشمی [که در هور شهید شد]. یک مدتی آنجا بود تا به عملیات طریق‌القدس رسیدیم. تا آن وقت هم آقای مودن شهید شده بود. حاج قاسم مسؤول گروه بچه‌های کرمان شد. حاج قاسم در عملیات طریق‌القدس دو گردان داشت. برای اولین بار هم آقامحسن، سازمان یگانی تیپ را ابلاغ کرده بود و ما برای اولین بار سه تیپ در طریق‌القدس اعلام کردیم: تیپ عاشورا، تیپ امام حسین و تیپ کربلا. این دو گردان حاج قاسم و خود ایشان آمدند در کنترل عملیاتی آقای قربانی. یعنی تحت امر مرتضی قربانی. آنجا حاج قاسم عملکرد خوبی داشت. یعنی کمک و کار کرد و در موفقیت طریق‌القدس تاثیرگذار بود. بعد از آن [عملیات] فتح المبین پیش آمد. در فتح المبین حاج قاسم فرمانده تیپ ثارا... شد. یعنی سه تیپ ما در طریق‌القدس، در فتح المبین ۹ یا ۱۰ تیپ شد. یعنی یگان‌های جدیدی تشکیل شدند، از جمله تیپ ۲۷ حضرت رسول، تیپ ۷ ولی عصر، تیپ امام سجاد و... تقریباً اواخر سال ۶۰. آقای رودکی، آقای المهدی، حاج احمد متوسلیان